

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:  
A Reflection on The Placiality of Social Formations in Urban Spaces  
Based on Georg Simmel's "Sociology of Space" A Case Study of  
Enqelab Street (between Vali-asr Intersection and Enqelab Square) In Tehran  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## تأملی بر مکان‌مندی صورت‌بندی اجتماعی در فضای شهری

### بر مبنای «جامعه‌شناسی فضا»ی گئورگ زیمل

#### مطالعه موردی: خیابان انقلاب (حدفاصل میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر)\*

محمد رضا فروزنده\*\*<sup>۱</sup>، سید امیر منصوری<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.
۲. دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۰ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۴/۰۱

#### چکیده

بیان مسئله: متفکران بسیاری در رابطه با مقوله شهر، نظریات گوناگونی ارائه کرده‌اند. از این میان «گئورگ زیمل» آلمانی، شهر را به عنوان یک ساخت اجتماعی می‌پنداشت تا یک واقعیت ماهیتا فیزیکی و مادی. زیمل با ارائه پنج بُعد فضایی، شهر را واقعیتی ذهنی می‌داند که در بستری از برهم‌کنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. خیابان انقلاب تهران علاوه بر اینکه به عنوان یکی از نمادهای گسست تاریخی در شکل رشد شهر تهران به شمار می‌رود، بستر مطالبات سیاسی کشور نیز بوده است و با به‌دوش کشیدن خصایصی چون وجوه تجدد و مدرنیته و همچنین با داشتن موقعیت جغرافیایی و نظام دسترسی ویژه در مرکز شهر و قابلیت جذب جمعیت، به مرزهای اجتماعی و انحصار فضایی که زیمل از آن صحبت می‌کند، دامن می‌زند. هدف: مقاله پیش رو سعی دارد با مذاقه در صورت‌بندی‌های اجتماعی در خیابان انقلاب تهران، ابعادی از آرای زیمل را در رابطه با مکان‌مندی این صورت‌بندی‌ها در فضای شهری مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق: خیابان انقلاب تهران به واسطه سطح بالای کنشگری و تنوع صورت‌بندی‌های اجتماعی که محصول رویدادهای تاریخی، موقعیت جغرافیایی و ... است، به عنوان نمونه موردی برگزیده شد. نگارندگان با جمع‌آوری اسناد تصویری و متنی به شکل میدانی و کتابخانه‌ای، رصد اسناد مرتبط در فضای مجازی و سپس تحلیل اکتشافی-تطبیقی، سعی در تبیین کنش‌های اجتماعی این خیابان از خلال آرای زیمل را داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به مبانی زیمل در رابطه با مفاهیم کلان اجتماعی چون یکتایی، مرز و ... و روش پیشنهادی او، یعنی کاویدن ظریف‌ترین برهم‌کنش‌های اجتماعی در راستای کشف قوی‌ترین پیوندهای اجتماعی، اسناد گردآوری شده همگی گواه شکافی اجتماعی از منظر تفکر سیاسی-مدنی در خیابان انقلاب تهران هستند. کنش و شکاف اجتماعی یافت‌شده، از رهیافت مبانی زیمل نه‌تنها قابل توضیح‌اند بلکه همان طور که او مطرح نظر داشت، همگی مکان‌مند هستند.

واژگان کلیدی: خیابان انقلاب، گئورگ زیمل، جامعه‌شناسی فضا، مکان‌مندی، منظر اجتماعی.

فضا» است که در سال ۱۳۹۷ به راهنمایی دکتر سید امیر منصوری در دانشگاه تهران تدوین شده است.  
\*\* نویسنده مسئول: ۰۹۳۵۴۰۷۱۴۰۸ ، nozhan.frouzandeh@gmail.com

✉ این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد محمد رضا فروزنده تحت عنوان «طراحی منظر خیابان انقلاب (حدفاصل میدان انقلاب و چهارراه ولیعصر) با رویکرد نشانه‌شناسی مبتنی بر جامعه‌شناسی صوری

## بیان مسئله

هر رابطه و برهم‌کنش اجتماعی میان انسان‌ها متضمن فضایی برای به‌اشتراک‌گذاشتن است. می‌توان گفت این درک از وجه اجتماعی فضا تا پیش از آرای زیمل در جامعه‌شناسی مغفول مانده بود؛ هرچند آثار متفکرینی همچون «مارکس» و «ویر» اشاراتی ضمنی به وجه فضایی جامعه داشت (ژلنیتس، ۱۳۹۶: ۲۸). از این منظر شکل‌گیری روابط اجتماعی متأثر از فضا و مؤثر بر آن است و هر مطالعه‌ای درباره‌ی این تعاملات و برهم‌کنش‌ها بدون در نظر گرفتن صورت فضایی آن، مطالعه‌ای ابتر است؛ چراکه این تعاملات و روابط، مثل هر پدیده‌ی دیگری علاوه بر زمان‌مند بودن، مکان‌مند نیز هستند. به همین سبب با عنایتی که جامعه‌شناسی متقدم، به فضا‌مند بودن و مکان‌مند بودن روابط اجتماعی داشت، رشته‌ی مطالعاتی بر این وجه از جامعه شکل گرفت که آن را بعد از زیمل «جامعه‌شناسی فضا» می‌خوانند. وقتی شهر به عنوان بستر تعاملات اجتماعی مطرح می‌شود، این مسئله اهمیتی مضاعف می‌یابد. بسیاری از تعاملات انسانی از قرن هجدهم میلادی به بعد، تعاملاتی مشخصاً شهری است و این معادله‌ی دوگانه‌ی تأثیر و تأثر را به عین در آن می‌توان دید. روابط اجتماعی و اقتصادی، شهر را می‌سازند و به زعم مارکس همین روابط تولیدی و اقتصادی هستند که شهر را پدیده‌ای در تقابل با روستا معرفی می‌کنند. از سویی دیگر شکل‌گیری شهر پدیده‌هایی را به وجود می‌آورد که تا پیش از آن کاملاً بی‌سابقه بودند؛ پدیده‌هایی مثل شبکه‌های ارتباطی، حمل‌ونقل، آلودگی صوتی، تکدی‌گری، پرسه‌زنی، فضاهای عمومی و بسیاری پدیده‌های دیگر. وقتی چنین پدیده‌ی متکثری موضوع شناخت باشد، واضح است که فرایند آن باید شناختی میان‌رشته‌ای و بسیط باشد. از این رو کار جامعه‌شناسی شهری نه فقط شناخت جامعه‌ی شهری، که شناخت ارتباط‌های میان فضای شهر و جامعه است. تا پیش از آنکه پای مطالعات جامعه‌شناختی به شناخت شهر باز شود، اختلافات و نارسایی‌های بسیاری در تعاریف و نوشتارهای مربوط به این حوزه به چشم می‌خورد. بسیاری از تعاریف سکونتگاه‌های شهری ناظر به تراکم نفوس و تراکم مادی پهنه‌ی شهری بودند و این مقوله شرطی لازم و کافی به نظر می‌رسید (فیالکوف، ۱۳۸۸: ۱۴). لیکن به مرور زمان، متفکران به تناقض این مؤلفه‌های مادی و حیات اجتماعی در شهر پی بردند؛ در چنین شرایطی، جامعه‌شناسی دست‌به‌کار فراهم‌آوردن تعاریفی دیگر شد. بر این اساس تراکم مادی شرط لازم برای شهر بودن پهنه‌ی سکونت‌ی بود، لیکن شرط کافی نبود؛ زیرا تراکم مادی و پیچیدگی راه‌های

حمل‌ونقل، هرگز سبب هم‌جوشی و تعامل شهرنشینان نمی‌شد و هرگز نمی‌توانست شکل‌گیری جمعیت شهری را توجیه کند، چراکه از جنبه‌ی اجتماعی برکنار بود. سوبه‌ی غامض دیگر ماجرا، خود مفهوم جامعه است. شناخت جامعه به مثابه یک کلیت، چه در بعد هستی‌شناختی و چه در بعد معرفت‌شناختی، محل مناقشات فراوانی بوده است. زیمل به عنوان متفکری مرجع و متقدم، جامعه را به مثابه اثری هنری صورت‌بندی می‌کند و شناخت این مفهوم را به عنوان مجموعه‌ای از اجزای بشری منتفی می‌داند. او بیش از هر متفکری به مکان‌مندی مفاهیم اجتماعی کلان‌شهر مدرن چون مرز اجتماعی و پاتوق‌های شهری پرداخته است؛ به زعم او شناخت جامعه، شناخت تک‌تک آدم‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن نیست، بلکه شناخت اشکال و صورت‌بندی‌های اجتماعی در کلیت آن است. حرکتی که بعدها در ساختارگرایی و تمایز عاملیت و ساختار نمود پیدا می‌کند.

حال پرسش اصلی این است که این صورت‌بندی‌های اجتماعی کدام‌اند؟ یا به تعبیری دیگر ذهنیت (سوژگی) بازیگران اجتماعی شهر چگونه و به چه اشکالی نمود می‌یابد؟ آیا رابطه‌ای محسوس و مقارن از منظر محتوایی در این صورت‌بندی‌ها یافت می‌شود؟ آیا صورت‌بندی‌های متصل به هم علاوه بر دارا بودن معنایی مقارن، مکان‌مند هم هستند؟

قصد این نوشتار، بررسی اجمالی خیابان انقلاب، به مثابه میدانی اجتماعی است که حامل بسیاری از این صورت‌بندی‌های اجتماعی است که از خلال آرای زیمل انجام می‌شود. هدف این بررسی، درک آن سنتز آرمانی است که گروه‌های اجتماعی را شکل داده و در همه‌ی ابعاد فضا، اعم از کالبدی و غیرکالبدی نمود یافته است.

## فرضیه

اشکال و صورت‌بندی‌های اجتماعی و مدنی در خیابان انقلاب تهران (حدفاصل چهارراه ولی‌عصر تا میدان انقلاب)، به رغم پیوستگی فیزیکی، نشان از شکاف و مرزی اجتماعی دارد؛ شکافی که با وجود طول کم خیابان، نقشه‌ی اجتماعی این خیابان را از منظر نوع تفکر سیاسی و اجتماعی بازیگران آن، به دو پهنه‌ی اصلی تقسیم می‌کند. عرصه‌ی مقابل دانشگاه تهران، به مثابه‌ی مرز اجتماعی این دو گروه اجتماعی است.

## پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با جامعه‌شناسی شهر، با آنکه قدمت چندانی ندارد، اما دارای پیشینه‌ی درازدامن و غنی است. در این تحقیق اما فقط آن دسته از نوشتارها مدنظر قرار

- نمونه برداری که از میدان جامعه‌گانی در خیابان انقلاب به صورت میدانی و یا رصد فضای مجازی و اخبار روز به شکلی مستمر به دست آمد.

- انطباق مبانی زیمل و داده‌های یافت‌شده و تحلیل اکتشافی-تطبیقی که به منظور دستیابی به روابط بین سوژگی شهروندان و صورت‌بندی رفتاری آنها صورت گرفته است.

#### مبانی نظری

اهمیت کار زیمل در جامعه‌شناسی فضا این است که فضا را به شکل یکی از انضمامی‌ترین مشخصه‌های زندگی اجتماعی فرادید می‌آورد (Lechner, 1991). تا پیش از او، فضا از این وجه انضمامی در نظر جامعه‌شناسان یا برکنار بود یا بیش از آنکه بستری اجتناب‌ناپذیر برای تحلیل این مناسبات باشد، به ابژه‌ای تولیدشده از سوی نهادهای بالادستی تقلیل می‌یافت. جامعه‌شناسی فضای زیمل سرآغاز مهمی برای نظریه اجتماعی فضا به شمار می‌رود (Zieleniec, 2017: 135). زیمل در صورت‌بندی‌اش از وجوه اجتماعی فضا، پنج بعد برای آن برمی‌شمرد. این ابعاد عبارت است از یکتایی، مرز، ثبات صوری اجتماعی، مجاورت یا فاصله و سیالیت (ژلنیتس، ۱۳۹۶: ۵۴). از میان این پنج بعد، دو بعد آغازین در راستای تحلیل‌های این مقاله قرار دارند؛ چراکه هر دو متضمن ضوابط و روال‌های تداخلی مواجهه گروه‌های مختلف اجتماعی هستند و این دقیقاً موضوعی است که این مقاله سر کاویدن آن را دارد. تعریف اجمالی این دو بعد عبارت است از:

#### • یکتایی یا انحصار

نزد زیمل هر فضایی یکتا است. یعنی هیچ دو ابژه، دولت، شهرداری یا خانه‌ای نمی‌توانند هم‌زمان فضای واحدی را اشغال کنند. زیمل می‌نویسد که:

«یکتایی فضا خود را با ابژه‌ها مرتبط می‌سازد، تا جایی که بتوان ابژه‌ها را همچون شاغل فضا تصور کرد، و این امر در عمل برای آن ابژه‌هایی دارای اهمیت خاص است که معمولاً بر دلالت فضایی آن تأکید می‌ورزیم یا از آنها استفاده فضایی می‌کنیم. این نکته به ویژه بر سرزمین اطلاق‌پذیر است. سرزمین شرط تحقق و ثمردادن ویژگی سه‌بعدی فضا برای هدف ماست. تا جایی که یک صورت‌بندی اجتماعی یا بعد خاصی از زمین ادغام یا متحد می‌شود، آنگاه واجد نوعی ویژگی یگانگی یا یکتایی می‌شود که به دیگر شیوه‌ها قابل حصول نیست» (Simmel, 1997: 138).

#### • مرز

ویژگی دوم هر فضایی را زیمل، مرزهای آن فضا می‌داند. این مرزها دلالت مهمی برای فهم فضامندی صورت‌های جامعه‌زیستی دارد. مرز در تحلیل زیمل بر این دلالت می‌کند

می‌گیرند که به نحوی با هدف تحقیق، که کاویدن ابعاد صورت‌بندی‌های اجتماعی و نحوه تعاملات و برهم‌کنش‌های این خیابان است، مرتبط‌اند. برای روشن شدن دیدگاه حاکم بر بررسی نحوه تعاملات خیابان در چهارچوب نظریات زیمل، تمرکز بر فرآیندهای اقتصادی و سیاسی کلان، جای خود را به مسائل مربوط به برهم‌کنش اجتماعی، صورت‌بندی اجتماع، ذهنیت در شهر و به‌طور کلی شیوه‌های «جامعه‌زیستی» می‌دهد (تانکیس، ۱۳۹۴: ۷۲). نیز باید دانست که در نظام فکری زیمل، جامعه بیش از آنکه اهمیتی هستی‌شناختی داشته باشد، واجد اهمیتی معرفت‌شناختی است و روش تفسیر تحولات، بر شناخت ماهیت تحولات متقدم است. در پیشینه پژوهش نظری جامعه‌شناسی شهری، با دو دسته آثار سروکار داریم. دسته اول آثاری که پایه‌های تحلیل نظری مورد نظر را شکل می‌دهند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: آرای گنورگ زیمل در آثاری همچون «جامعه‌شناسی فضا» و مقاله «پل‌ها و درها» که جدای از روشن‌کردن روش‌شناسی برخورد با موضوع، ارزشی آغازگرانه دارد و نیز آرای متفکرین مکتب شیکاگو، که به بسط این مفاهیم در شناخت شهر اهتمامی درخور ورزیده‌اند. پروژه این مکتب، ایجاد رویکرد متمایز جامعه‌شناختی برای مطالعه شهر است که بر «خصلت‌های ویژه شهر، به مثابه یک شکل خاص اجتماع انسانی» متکی است.

این آثار، جامعه‌شناسی را به عنوان گزینه دیگری برای شناخت شهر در برابر جغرافی‌دانان، اقتصاددانان و متفکرین علوم سیاسی قرار می‌دهد (همان: ۳). دسته دوم آثاری پراکنده و محدود از مقالات و کتاب‌ها هستند که تعاملات اجتماعی را در دید کلی و به اقسام روش‌ها در خیابان انقلاب به عنوان نمونه موردی تحقیق، تحلیل کرده‌اند. مقالاتی همچون «نقش هویت مکانی در بروز کنش سیاسی» (کاوایانی‌راد و عزیززی کاوه، ۱۳۹۰) و «منظر خیابان انقلاب؛ تحلیل نسبت کالبد و معنا در خیابان انقلاب» (آتشین‌بار، ۱۳۸۹) در رده نوشتارهایی قرار می‌گیرند که هدفشان غالباً تبیین بعد سیاسی و اجتماعی این محور از خلال رویدادهای تاریخی آن است، لیکن چهارچوب فکری این تحقیق، به هرچیز اعم از کالبد و بافت اجتماعی، به مثابه جزیی از نظام معنایی می‌نگرد که خود معناست.

#### روش پژوهش

در این پژوهش از سه روش عمده استفاده شده است:

- مطالعات کتابخانه‌ای که شامل بررسی مبانی و آرای زیمل پیرامون جامعه‌شناسی فضا و روش‌شناسی او به منظور واکاوی صورت‌بندی‌های اجتماعی است.

دوباره به فضای نامتناهی پیوند می‌دهیم. از این رو «در»، ضامن عاملیت بشر است.

«محدوده‌ای که ما خود را در آن می‌یابیم، همیشه مرزی است بر نامتناهی وجود فیزیکی یا وجود متافیزیکی. بنابراین، «در» تصویری از یک نقطهٔ مرزی است که انسان همیشه عملاً روی آن ایستاده است یا می‌تواند بایستد. «در» واحدی متناهی است که ما از طریق آن، قطعه‌ای از فضای نامتناهی را که به آن ثبات بخشیده‌ایم، دوباره به همین فضای نامتناهی پیوند می‌دهیم. از طریق این واحد متناهی، محدود و نامحدود به هم پیوند می‌خورند» (Simmel, 1994). این رویکرد به ساخته‌های بشری، ما را به این نتیجه می‌رساند که مفهوم مرز در روابط اجتماعی، مفهومی است که هم بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. به بیانی دیگر مرز، واقعیتی مکانی با نتایج جامعه‌شناختی نیست، بلکه واقعیتی اجتماعی است که به لحاظ مکانی شکل می‌گیرد (فریزی، ۱۳۸۶: ۵۷). به زعم او، کاویدن صورت‌بندی‌های اجتماعی ما را به ورطه‌ای سوق می‌دهد که می‌توان مرزهای اجتماعی را در آن یافت. از همین رو جامعه‌شناسی از دید زیمل نه بر حسب جستارم‌یاش یعنی جامعه، بلکه بر حسب روش آن تعریف می‌شود؛ بنابراین جامعه‌شناسی به دنبال پژوهش در نیروها، شکل‌ها و تحول جامعه‌زیستی، همکاری، پیوند و همزیستی افراد است؛ یعنی برای زیمل «جامعه جایی وجود دارد که افرادی وارد برهم‌کنش می‌شوند» و [جامعه‌شناسی] تنها علمی است که واقعاً به دنبال این است که صرفاً جامعه را «در معنای دقیق کلمه» بشناسد. اگر جامعه‌شناسی مطالعهٔ شکل‌های برهم‌کنش اجتماعی است، پس جامعه‌شناسی در معنای مورد نظر زیمل می‌تواند و باید همهٔ شکل‌های جامعه‌زیستی را بررسی کند.

#### تمییز شکل و محتوای حیات اجتماعی

مبحثی که زیمل دائماً در اغلب آثار خود بدان اشاره می‌کند، دعوت جامعه‌شناسان و پژوهشگران مرتبط با این حوزه به جداکردن شکل و محتوای جامعه‌زیستی است. به زعم او، تمییز میان شکل و محتوای حیات اجتماعی، پژوهشگر را به چیزی فراتر از تفسیری دایره‌المعارفی از جامعه‌شناسی برمی‌کشد (همان: ۱۶). به عبارتی دیگر، به عقیدهٔ او، اینکه جامعه‌شناس به جای تمرکز روی صورت‌بندی‌های اجتماعی و یافتن انگیزه‌ها، خود را درگیر دسته‌بندی محتوایی جامعه‌شناسی مثل تقسیماتی چون «جرم و کج‌روی، فقر و رفاه، نژاد، قومیت، مهاجرت و...» بدون بررسی اشکال آن کند به بیراهه رفته است. او در همین راستا و در رابطه با مفهوم جامعه و رسالت جامعه‌شناسی در قامت یک روش

که فضا خودش صرفاً واقعیتی فیزیکی یا مادی نیست، بلکه ساختی اجتماعی است که روابط بین افراد و بین گروه‌ها را می‌سازد. این ساخت اجتماعی فضا همچنین با تحدید آن عمل می‌کند تا به رابطهٔ فضایی ابژه‌ها، خصوصیات و روابط اجتماعی درون آن و نیز برهم‌کنش‌هایی که می‌توانند آشکار شوند، ساختار ببخشد. مرزها با تعیین شکل و آرایش فضایی، هدف دوگانه‌ای را دنبال می‌کنند. ابژه‌ها و کنش‌ها می‌توانند مطابق با یک برنامه یا پیش‌نیازهایی کارکردی مبتنی بر برخی ارزش‌ها، اصول یا اهداف فراگیر سامان پیدا کنند و تنظیم شوند، در حالی که مرز در عین به هم‌پیوستگی محتوایش نیز ساختار می‌بخشد (Zieleniec, 2017). از سویی دیگر، نگاه ویژه و تفسیرهای معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی زیمل از مصنوعات بشری و ابژه‌های کالبدی، چیزی است که بررسی آن برای روشن کردن صبغهٔ تحلیلی این تحقیق راهگشا است. زیمل در مقالهٔ «پل‌ها و درها»، این دو پدیدهٔ انسان‌ساخت را که تا پیش از او وجه عملکردی‌شان مورد توجه بود، تحلیلی معنایی می‌کند و امکاناتی را که ساخت چنین کالبدهایی برای برهم‌کنش‌های اجتماعی فراهم می‌آورند، می‌کاود. او در رابطه با اینکه انسان موجودی است مرزآفرین، معتقد است موجود بشری، از قوهٔ وصل و فصل برخوردار است به طوری که وجود هر انسان همواره پیش‌فرض وجود دیگری است. انسان، چیزها را نخست از هم سوا می‌کند تا بتواند آنها را به هم مرتبط کند. از منظر او پل، ضامن پدیدآمدن نوعی درک تازه از فاصله و مجاورت است. بدون پل کرانه‌های «جدامانده» فی‌نفسه معنایی ندارند، اما با طریق متقن و مسلمی که پل بین آنها معلوم می‌کند، این مفاهیم واجد معنا می‌شوند.

«این عمل در ساختن پل است که به اوج خود می‌رسد. در اینجا به نظر می‌رسد ارادهٔ انسان به ایجاد پیوند، نه فقط با مقاومت منفعل ناشی از جدایی مکان، بلکه ضمناً با مقاومت فعال یک شکل‌بندی خاص نیز روبه‌روست. پل با غلبه بر این موانع، گسترش قلمرو ارادهٔ ما را بر مکان، نمادین می‌کند. فقط از نظر ماست که سواحل رودخانه نه‌تنها در مکان‌های مختلفی واقع شده‌اند، بلکه ضمناً از هم جدا هستند. اگر ما آنها را نخست مطابق اهدافمان، نیازهایمان و تخیلیمان به هم مرتبط نکنیم، تصور ما از جدایی میان آنها معنایی نخواهد داشت» (Simmel, 1994).

از سوی دیگر «در»، در برابر «پل»، پدیدآورندهٔ نوعی محصوریت خودخواسته است. در، عملاً نقطه‌ای تماماً مرزی است که انسان نه بر دوسوی آن، بلکه دقیقاً روی آن ایستاده است. «در» نوعی مفصل و قطعه‌ای متناهی است که ما به واسطهٔ آن، فضایی متناهی را که به آن ثبات بخشیده‌ایم،



مطالعه، چنین می‌نویسد:

«اگر جامعه صرفاً [...] مجموعه‌ای از افراد است که واقعیت‌های بالفعل‌اند، آن‌گاه افراد و رفتارشان نیز موضوع یا ابژه واقعی علم‌اند و مفهوم جامعه دود می‌شود [...] آنچه به طور محسوس وجود دارد در حقیقت تنها موجودات فردی انسانی و شرایط و فعالیت‌های آنان است. بنابراین، وظیفه می‌تواند تنها فهمیدن آنها باشد. در حالی که ذات جامعه، که مطلقاً از طریق سنتزی آرمانی پدید می‌آید و هیچ‌گاه درک نمی‌شود، نباید موضوع (ابژه) اندیشیدنی را تشکیل دهد که معطوف به تحقیق دربارهٔ واقعیت است» (زیمل به نقل از فریزی، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

همان‌طور که پیداست، زیمل مفهوم مجرد «جامعه» را بدون مذاقه در اشکال آن بی‌معنی می‌داند؛ اشکالی که ماحصل ظریف‌ترین کنش‌هایی است که بازیگران آن (افراد جامعه) بدین واسطه به عنوان عضوی از همین جامعه در می‌آیند. حال این سؤال مطرح می‌شود که از منظر زیمل چه اشکالی از جامعه مستلزم بررسی و واکاوی‌اند؟

جامعه به مثابه «اثر هنری»: وجه صوری مبانی زیمل در ادامهٔ سؤالی که مطرح شد، می‌توان چنین گفت که مطالعهٔ اشکال اجتماعی در جامعه‌شناسی زیمل شامل «بررسی نیروها، اشکال و تحول جامعه‌زیستی، بررسی همیاری، ارتباط و باهم‌بودن افراد» است. به زعم زیمل، جامعه‌شناسی باید هر شکلی از جامعه‌زیستی را بررسی کند، زیرا کوچک‌ترین آنها نیز خیر از پیوندهای قوی اجتماعی می‌دهد؛ (خواه تعامل به هنگام غذاخوردن باشد، خواه به هنگام قرار ملاقات، نوع پوشش و غیره. تمام اشکال جامعه‌زیستی باید به نحو تاریخی و تطبیقی بررسی شوند تا ویژگی‌ها و صفات کلی آنها کشف شود و این مطالعه‌ای است که می‌تواند معطوف به شکلی واحد با محتواهای مختلف شود. او در رابطه با مفهوم «شکل اجتماعی»، به فرض مثال تعاملی را که آن را بنیان شکل‌گیری جامعه می‌داند، فی نفسه، در مفهوم انتزاعی‌اش واجد هستی نمی‌داند، بلکه همواره آن را انبوهی از انواع و اشکال گوناگون تعاملات می‌پندارد. تعامل همیشه به شکلی خاص جلوه می‌کند. از این‌رو، جامعه همیشه جامعه‌ای شکل‌یافته است و الا هستی ندارد (فریزی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

درست است که به نظر می‌رسد شکل‌بندی‌ها و نظام‌های اصلی (طبقات، دولت، دین و غیره) سازندهٔ آن چیزی‌اند که جامعه می‌نامیم؛ ولی از دید زیمل، جامعه‌شناسی باید به مشخص کردن تعاملاتی با سازمان‌دهی کمتر نیز بپردازد، تعاملاتی که «در وضعیتی بی‌ثبات می‌مانند ولی به همان اندازه عاملان پیوند افراد به موجودیت جامعه هستند»

(همان: ۱۸). در حقیقت، اگر توجه خود را به شکل‌بندی‌های اصلی یا دسته‌بندی‌های کلیشه‌ای جامعه که پیش‌تر نیز اشاره شد، محصور کنیم، آنگاه کاملاً غیرممکن است که زندگی واقعی جامعه را آنگونه که در تجربهٔ خود با آن مواجه می‌شویم، بازسازی کنیم.

در همین راستا، زیمل جامعه را به مثابه یک «اثر هنری» معرفی می‌کند. در واقع به تعبیری او فضا را به سان بومی در نظر می‌گیرد که در آن برهم‌کنش‌های اجتماعی افراد چون ابژه‌هایی است که با هم‌نشینی هنرمندانه به خلق اثر هنری منجر می‌شود؛ در واقع این همان موضوع (ابژه)‌هایی است که مستلزم تحلیل به عنوان رهیافتی برای تدقیق مفهوم جامعه است؛ در نتیجه می‌توان به جامعه به مثابه کلی زیبایی‌شناختی نگریست که محتوی تعاملات اجتماعی است (Frisby, 1985). اهمیت کوچک‌ترین و به ظاهر بی‌ارزش واکاوی کنش‌ها در مطالعات جامعه‌شناختی را می‌توان در قسمتی از گفتار او یافت:

«از نظر ما ذات مشاهده و تفسیر زیبایی‌شناختی در این واقعیت است که امر عادی را می‌توان در آنچه بی‌همتا است یافت، امر قاعده‌مند را در آنچه تصادفی است و ذات و اهمیت چیزها را در آنچه ظاهری و موقت است [...] از نظر چشم کاملاً تربیت‌یافته تمام زیبایی، تمام معنای جهان به مثابهٔ یک کل از هر نقطهٔ منفردی به بیرون می‌تابد (Ibid).

### خیابان انقلاب تهران

#### • جستجو و بررسی اشکال اجتماعی

پیش‌تر به اهمیت و بررسی ظریف‌ترین برهم‌کنش‌های اجتماعی و تأثیر آنها بر یافتن پیوندهای مدنی کلان اشاره شد، همچنین به تبیین مکان‌مندی صورت‌بندی‌های اجتماعی مبنی بر آرای زیمل پرداخته شد. حال شاید این سؤال مطرح شود که چرا خیابان انقلاب جهت واکاوی اشکال اجتماعی برگزیده شده است؟

۱. خیابان انقلاب به مثابه مرکز شهر تهران و بستر طیف وسیعی از کنش‌های اجتماعی است.

۲. پویایی و سرزندگی موجود در این محور، حیات مدنی آن را نسبت به اندام‌های دیگر شهر تهران منحصربه‌فرد می‌کند.

۳. شهروندان شمال و جنوب شهر به ترتیب از طریق خیابان ولی‌عصر و کارگر جنوبی در این محور با یکدیگر دیدار می‌کنند.

۴. این محور به واسطهٔ رویدادهای تاریخی و استقرار دانشگاه تهران، بستر تجمعات و مطالبات سیاسی است.

اشکال جامعه‌شناختی در شهر نامتناهی است. در این پژوهش سعی شده است تا اشکالی که به صورت میدانی گردآوری شده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش‌های

خیابان برادران مظفر، نفر سوم چهارراه ولی عصر و در نهایت نفر چهارم در حوالی میدان فردوسی به بلندی رفتند؛ یعنی اگر محور میدان انقلاب تا چهارراه ولی عصر را به دو نیم تقسیم کنیم، همه آنها در جبهه شرقی این محور به بلندی رفته‌اند. پس از مدتی دقیقاً در مخالفت با این جنبش و به منظور دفاع از حجاب اسلامی، افرادی با در دست گرفتن پرچم‌های مشکی‌رنگ که روی آنها «یا حسین» نوشته شده بود، در جداره‌های میدان انقلاب و جبهه غربی به بلندی رفتند (تصویر ۱).

چنین می‌نماید که این افراد یا از این مسئله آگاهند که مشتری اعتراضشان در چه قسمتی از خیابان حضور دارد یا به صورت ناخودآگاه با قسمت به‌خصوصی از خیابان احساس انس و آشنایی بیشتری می‌کنند. زیمل بر این نکته تأکید می‌کند که قرار ملاقات حاکی از آن است که حافظه انسانی در مورد مکان قوی‌تر است تا در مورد زمان (فریژی، ۱۳۸۶: ۷۷). از فعالیت‌های اعتراضی دیگری که در این اواخر رخ داد، تجمعات ۹ دی ۱۳۹۶ بود، این تجمعات اعتراضی که ۳ روز طول کشید، در سه نقطه اصلی این محور اتفاق افتاد: میدان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران و چهارراه ولیعصر. صورت‌بندی‌های دیگری که می‌توان به آنها اشاره کرد شعارهایی است که مکان‌مندی آنها نیز واجد ارزش بررسی است، در تجمعات ۹ دی مضامین شعارهایی که در این سه نقطه فریاد زده می‌شد با هم تفاوت داشتند. در میدان انقلاب، شعارها عموماً پیرامون مسائل اقتصادی بود؛ در چهارراه ولیعصر، شعارهایی با مضامین مخالفت با قدرت حاکم؛ و مقابل سردر دانشگاه تهران هر دو دسته شعارها توسط دانشجویان فریاد زده می‌شد. شاید تصویری که در تجمعات ۹ دی گرفته شده است بیش از هر چیزی، گویای این دودستگی جریان‌های فکری-اجتماعی و بیانگر مرز اجتماعی باشد (تصویر ۲).

### نمود فعالیت‌های هنری

نمونه‌هایی از کنش‌های هنری وجود دارد که در خیابان‌های شهر رخ می‌دهد. کنش‌هایی چون، گرافیتی‌ها، اجراهای هنری (Art Performance) و موسیقی خیابانی. این پژوهش به گرافیتی‌ها و موسیقی خیابانی که در این محور اتفاق می‌افتد، پرداخته است.

#### • گرافیتی

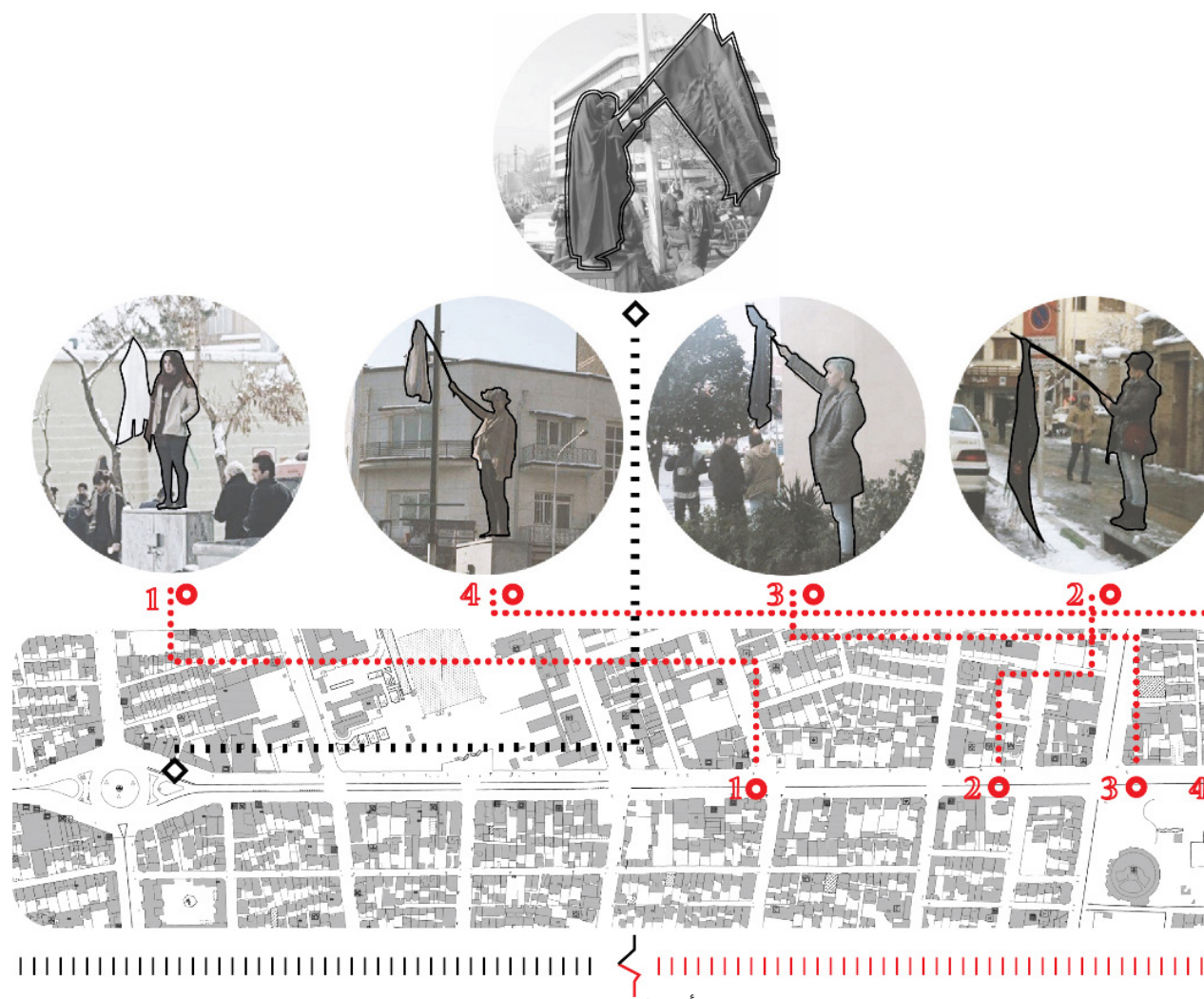
گرافیتی نوعی از کنش اجتماعی است که فرد هنرمند دیوارهای شهری را به مثابه بوم خود در نظر می‌گیرد. در واقع هنرمند قصد دارد عموم جامعه و رهگذران مسیرهای شهری را مخاطب خود قرار دهد. مضامین گرافیتی‌ها در سراسر جهان معمولاً مضامین اعتراضی و یا اشاره به مسئله

جامعه‌شناختی زیمل صرفاً به «ساختارهایی با نظم برتر» محدود نمی‌شوند، بلکه به «رشته‌های ظریف غیرقابل مشاهده» ای هم محدود می‌شوند که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهند، به تکه‌ای تصادفی از واقعیت اجتماعی که پژوهش آن فهمی «عمیق‌تر و دقیق‌تر» از جامعه تولید می‌کند تا آنچه «بررسی صرف ساختارهای کلی کاملاً فرافردی» تولید می‌کند (فریژی، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۳۲). بنابراین سعی شده ظریف‌ترین کنش‌های این محور شهری مورد تحلیل قرار گیرد. نشانه‌ها و اشکال یافت‌شده ابتدا نظام‌یافته به نظر نمی‌رسیدند، اما پس از بررسی در ۴ دسته کلی جای گرفتند: ۱. اعتراضات سیاسی-مدنی؛ ۲. فعالیت‌های هنری؛ ۳. نام‌گذاری‌ها؛ و ۴. اقلام فروشی دست‌فروشان. در ادامه هریک به تفصیل آورده شده است.

### اعتراضات و مطالبات سیاسی-مدنی

در سال پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن تا به امروز، خیابان انقلاب به بزرگ‌ترین بستر و تریبون مطالبه سیاسی بدل شده است: راهپیمایی‌های سالانه ۲۲ بهمن، آیین‌های مذهبی، جنبش‌های مدنی، جنبش‌های اعتراضی و ... بنابراین می‌توان گفت بارزترین خصیصه این خیابان بار سیاسی آن در ذهنیت جامعه است.

از جنبش‌های اعتراضی اخیر می‌توان به اقدام موسوم به «دختران خیابان انقلاب» اشاره کرد. اقدامی که طی آن، زنانی با بالارفتن از جعبه‌های تقسیم خطوط مخابراتی و گرفتن چوبکی به دست که شالی به آن آویخته شده بود، به حجاب اجباری اعتراض می‌کردند. پیش از هر چیز، خود واژه، ما را به تأمل وامی‌دارد: «دختران خیابان انقلاب». «خیابان انقلاب» به عنوان یک ترکیب اضافی در این ترکیب واژگانی به تعبیری به قامت یک صفت درآمده و به نوعی تولید واژه می‌کند. این مهم اشاره به بار سیاسی این خیابان دارد؛ به طوری که دخترانی دیگر در شهرهای دیگر ایران و حتی کشورهای بیگانه چون انگلیس به بلندی رفتند و باز هم نام آنها با نام «دختران خیابان انقلاب» در تمامی رسانه‌های خبری بازتاب پیدا کرد. اما دختران خیابان انقلاب که با حرکتی نمادین سعی داشتند به مقوله حجاب اجباری اعتراض نمایند، چه مکانی و موقعیت دقیقی را برای اعتراض خود در این محور انتخاب می‌کردند؟ همان‌طور که گفته شد مکان‌مندی کنش‌های اجتماعی طبق آرای زیمل از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر به موقعیت «بلندی»‌هایی که این افراد برای اعتراض خود برمی‌گزیدند دقت کنیم، می‌بینیم که از چهارنفری که به بلندی رفتند، نفر اول جلوی قنادی فرانسه، نبش خیابان ابوریحان، نفر دوم جلوی پژوهشکده فرهنگ و هنر نبش



تصویر ۱. مکان‌مندی کنش‌های اجتماعی (تضاد مضامین کنش‌ها). مأخذ: نگارندگان.

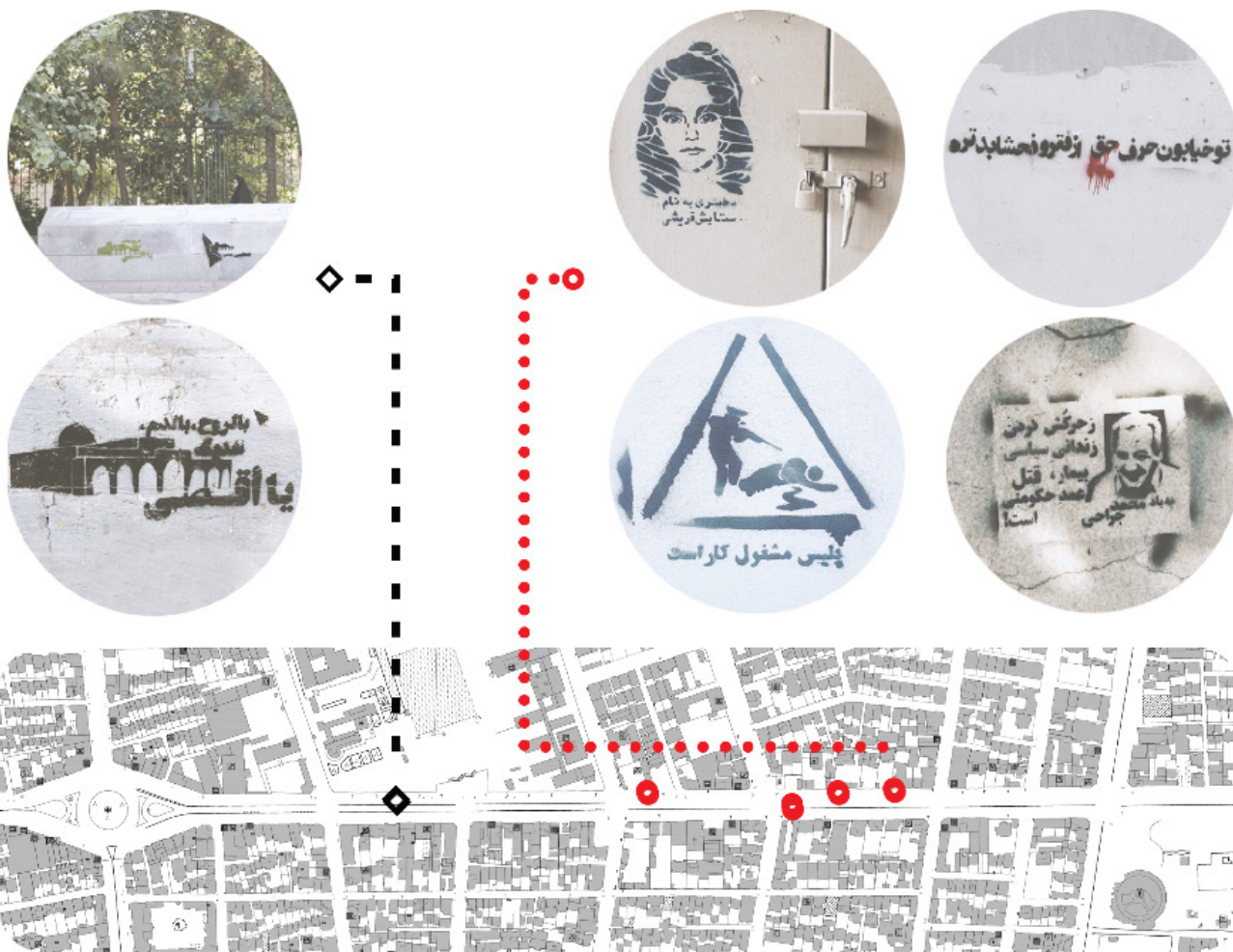
اجتماعی است و بعضاً مسئله فقط زیبایی‌شناختی است. تعداد بسیار محدود و انگشت‌شماری از مکان‌هایی که بوم‌گرافیتی‌هایی با مضامین اعتراضی و سیاسی می‌شوند، وجود دارد.

در این میان خیابان انقلاب که همیشه بوم‌گرافیتی‌های با مضامین سیاسی بوده است در سراسر جهان زبان‌زد خاص و عام است. اما وقتی به گرافیتی‌های خیابان انقلاب دقت می‌کنیم، می‌بینیم این دودستگی که پیش‌تر در اعتراضات نشان داده شد، در انتخاب مکان آنها و به اقتضای موضوع تفاوت دارد. در این میان گرافیتی‌های جبهه شرقی غالباً به موضوعات سیاسی که حکومت و دولت را هدف خود قرار می‌دهد، می‌پردازد و جبهه غربی به مضامین مذهبی. خود مضمون گرافیتی‌ها هم می‌تواند قابل تأمل باشد. به فرض مثال در جبهه شرقی، گرافیتی‌هایی با موضوعات محکوم‌کردن دستگیری فعالان سیاسی، مسائل اجتماعی، اعتراض به مسائل سوء مدیریت و اعتراض به سرکوب اعتراضات قانونی مردم از طرف دولت به چشم می‌خورد



تصویر ۲. تجمعات ۹ دی ۱۳۹۶ - تلاقی جریان‌های فکری: مرز اجتماعی. مأخذ: نگارندگان.





تصویر ۳. مکان‌مندی گرافیتی‌ها مبتنی بر مضامین آنها. مأخذ: نگارندگان.

منطقی (رمزگان منطقی) که «دست‌فروش چیزی را می‌فروشد که فروش می‌رود»، می‌توان به این نکته پی برد که متناسب با قرارگیری دست‌فروشان در موقعیت جغرافیایی خاصی از این محور، مردم حاضر در آن قسمت چه کتبی را مطالعه و یا چه پوستری را خریداری می‌کنند؟

• کتاب‌های ممنوعه

فروش کتب ممنوعه توسط دست‌فروشان در این خیابان از عناصر هویتی این محور به حساب می‌آید. با توجه به موقعیت دست‌فروشان در این محور شهری و نوع و محتوای کتب فروشی می‌توان به تفاوت‌های اجتماعی و فکری مردم این خیابان پی‌برد.

همان‌طور که در تصویر ۵ می‌بینیم، کتبی که در بساط دست‌فروشان مقابل دانشگاه به فروش می‌رسد، غالباً دارای مضامین سیاسی و جریان‌های فکری بنیادین هستند. در این میان رمان‌هایی هم به چشم می‌خورند که غالباً با وجود مضامین غیرسیاسی داستان، یکی از کاراکترهای

و در جبهه غربی گرافیتی‌هایی با مضامین سیاسی جهانی چون محکوم کردن «جمعه خونین غزه». جالب‌تر آنکه گرافیتی‌های دسته اول همان‌جایی کشیده می‌شوند که دختران خیابان انقلاب از آن بالا رفتند و گرافیتی مربوط به «جمعه خونین غزه» روی جایگاه وضوی مراسم نماز جمعه (تصویر ۳).

• موسیقی خیابانی

دسته دوم از کنش‌های اجتماعی، موسیقی خیابانی است که در این محور رخ می‌دهد. همان‌طور که در تصویر می‌بینیم، در جبهه غربی اجرای موسیقی سنتی (ابتدای ۱۶ آذر) و در جبهه شرقی (روبه‌روی بانک ملت) موسیقی با سبک‌ها و آلات موسیقی غربی دیده می‌شود. نوع پوشش نوازندگان نیز قابل تأمل است و از این امر مستثنی نخواهد بود (تصویر ۴).

دست‌فروشی

در رابطه با اقلام فروشی، در این نوشتار اقلام فروشی دست‌فروشان مدنظر است، به این صورت که با این گزاره





تصویر ۴. مکان‌مندی کنش‌های هنری، موسیقی سنتی در برابر موسیقی غربی. مأخذ: نگارندگان.

اشاره کرد. این اقلام که غالباً مقابل دانشگاه به فروش می‌رسند، با دربرگیری طیفی از تصاویر چهره‌های شهدا تا سیاست‌مدارانی چون هیتلر و رضاشاه پهلوی، مبین تلاقی جریان‌های فکری و مرز اجتماعی‌ای هستند که پیش‌تر هم گفته شد (تصویر ۵).

#### نام‌گذاری‌ها

یکی دیگر از کنش‌های قابل بررسی، نام‌هایی است که همین بازیگران اجتماعی برای کاربری خود انتخاب می‌کنند. اینکه نام‌ها از چه قسمی هستند، می‌تواند در رصد نوع تفکر مردم راهگشا باشد. در این قسمت به نام‌گذاری کافه‌های این محور اشاره شده است. فارغ از اینکه تعداد کافه‌های جبهه شرقی تقریباً دو برابر جبهه غربی بوده که خود نشان از نوع و سبک زندگی است، نام‌ها در جبهه شرقی تماماً اسامی خارجی و در جبهه غربی، اسامی سنتی و فارسی است (تصویر ۶).

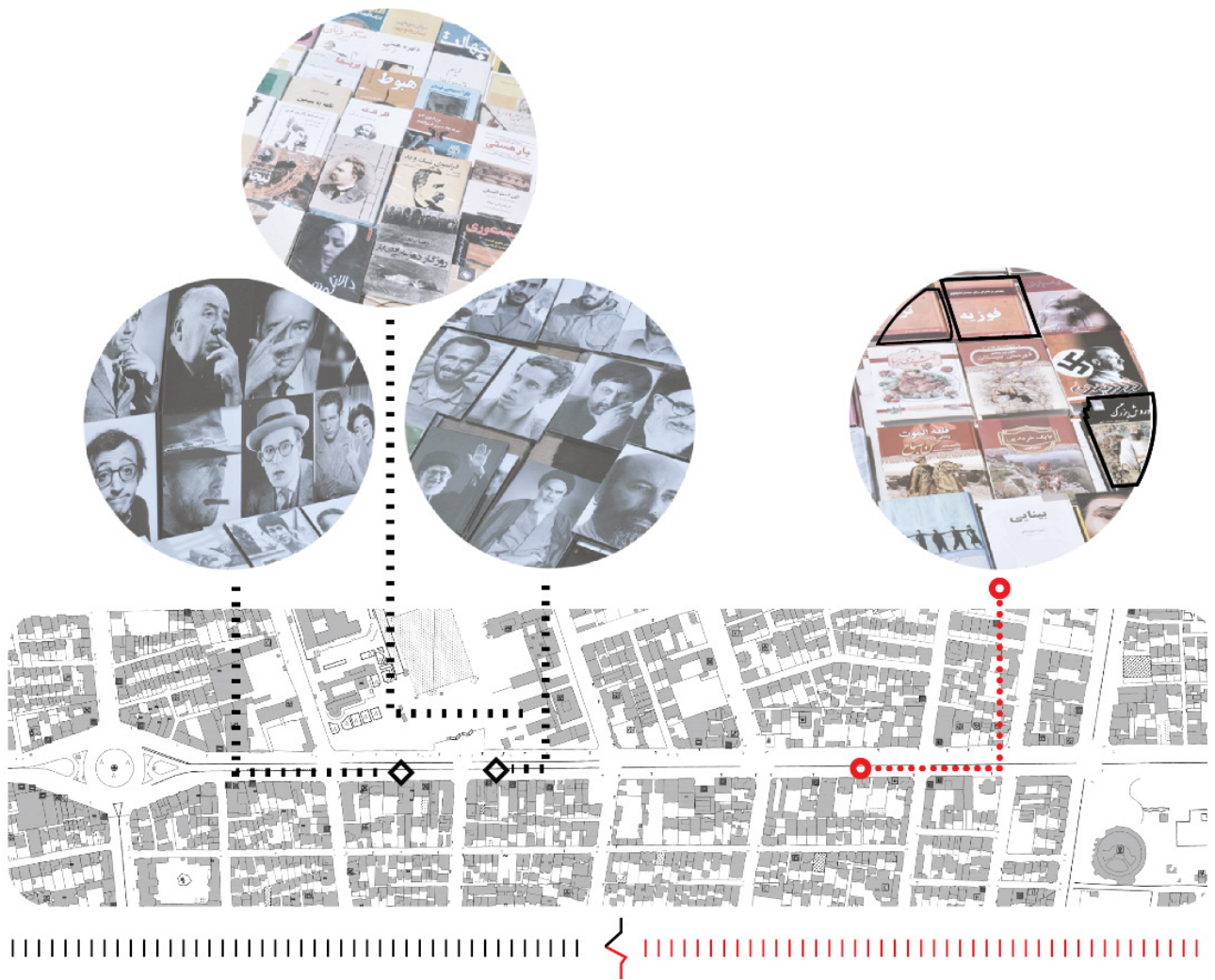
#### بحث

زیمل معتقد است در باب روش‌شناسی واکاوی جامعه‌زیستی انسان «ما [...] اشکال و قوانین جامعه‌زیستی

داستان، جهت‌گیری سیاسی دارد. اما نکته قابل توجه اینجاست که کتب این قسمت از این محور شهری، التقاطی از تمامی جریان‌های فکری و سیاسی است؛ دقیقاً همان تقسیم‌جریانی و مرز اجتماعی که پیش از این در شعارها و تصویری از تجمعات ۹ دی ۱۳۹۶ جلوی سردر دانشگاه بدان اشاره شد. همین طور وقتی به سراغ کتب دست‌فروشان مستقر در جبهه شرقی می‌رویم با کتبی مواجه می‌شویم که از منظر محتوایی کاملاً متفاوت‌اند. از این میان می‌توان به زندگی‌نامه فوزیه (همسر اول محمدرضا پهلوی)، زندگی‌نامه ثریا (همسر ثانی محمدرضا پهلوی)، زندگی‌نامه فرح (همسر آخر محمدرضا پهلوی)، کوروش بزرگ و... اشاره کرد. همان طور که می‌بینیم، غالب مضامین کتب ممنوعه در جبهه شرقی پیرامون نظام شاهنشاهی و چهره‌های اصلی آن است. همین طور کتبی با مضامین عاشقانه و مهارت زندگی (قدرت هوش اجتماعی، چگونه پولدار شویم؟، قدرت بیان و...) به چشم می‌خورد (تصویر ۵).

#### • پوسترها

از دیگر اقلام فروشی دست‌فروشان در خیابان انقلاب می‌توان به پوستره‌های مشاهیر هنری، سیاسی و ...



تصویر ۵. مکان مندی اقلام فروشی. مأخذ: نگارندگان.

قهوه چی باشی   امیر کبیر   دورهمی  
میرزا   پنجره   میرا  
کوخ   قصه   فرهنگ

استاین   آنتراکت   کامو  
ورنا   اگزیت   پلاتومان  
گودو   آندو   وی (v)



تصویر ۶. تفاوت محتوایی کنش نام گذاری کافه‌ها و مکان مندی آنها. مأخذ: نگارندگان.

را به طریقی خواهیم شناخت که پدیده‌های اجتماعی با متفاوت‌ترین محتواها را ترکیب کنیم و در واقع، به نحو استقرایی آن چیزی را بکاویم که به هر حال در میان همه آنها مشترک است» (فریزی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). داده‌های یافت‌شده هرچند در دسته‌بندی محدودی جای می‌گیرند، اما روش پیشنهادی زیمل به نوعی نامتناهی است. استقرا از دید زیمل اساسی‌ترین عنصر پژوهش‌های جامعه‌شناختی است، به همین دلیل اصول «تکثر» و «تنوع» داده‌ها همان طور که استقراگرایان آن را شرط اساسی دستیابی به گزاره صادق در علوم انسانی می‌دانند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. بنابراین در این نوشتار سعی بر آن بود که هر دوی این وجوه تکافوی ملزومات تحلیل انطباقی را کرده باشد.

داده‌هایی که در چهار دسته جمع‌آوری شده‌اند، همگی دست‌کم به یک مفهوم اصلی اشاره داشتند: مکان‌مندبودن کنش‌ها. اعتراضات سیاسی چه در شکل، نوع و محتوای کنش (کنش نمادین یا شعاری)، محتوای اقلام فروشی دست‌فروشان، کنش‌های هنری و نام‌گذاری‌ها، همه و همه علاوه بر این‌همانی محتوایی، در این خیابان مکان‌مندند. به علاوه تمامی نشانه‌ها به دو پهنه‌گی اجتماعی و سیاسی در خیابان انقلاب دلالت می‌کند و در عین حال تمامی کنش‌ها در ساختاری همگن به یک مضمون اشاره می‌کنند و آن وجود مرزی اجتماعی در جایی حوالی مختصات میانی این محور (میدان انقلاب تا چهارراه ولی‌عصر) است. مرزی که خرده‌جامعه‌ای سنتی و مذهبی را در یک سوی خود و خرده‌جامعه‌ای غیرسنتی و غیرمذهبی را در سوی دیگر خود تمییز می‌دهد.

لازم به ذکر است، کنش‌های متقاطع از نظر محتوایی در این محور سابقه طولانی دارد. «کوروش شیشه‌گران» هنرمند دوره پهلوی دوم، در سال ۱۳۵۵ ه.ش. پوستری را به جداره‌های خیابان شاه‌رضا (انقلاب کنونی) می‌چسباند و با عنوان «هنر+ هنر» با دو خط غیرهم‌رنگ که در هم پیچیده‌اند و نسبت‌دادن هنرها (سینما، موسیقی، نقاشی و ...) به عنوان صفت‌های این خیابان، آن را به عنوان یک «اثر هنری» معرفی می‌کند (نجفی‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۶)؛ همان طور که زیمل پیش از این میدان‌های اجتماعی را چنین توصیف می‌کرد. دو خط درهم‌پیچیده، به نظر نشان از دو دسته کنش متفاوتی دارد که در این محور رخ می‌دهد.

#### نتیجه‌گیری

زیمل در میان هم‌عصرانش یگانه جامعه‌شناسی است که بارها و بارها جهان برهم‌کنش‌های اجتماعی روزمره و

نمودهای فرهنگی‌شان را کاوید. مقالات فراوانی که در رابطه با — به‌ظاهر — بی‌اهمیت‌ترین کنش‌های افراد نوشته است، به اهمیت رصد و تحلیل این کنش‌ها در دریافت پیوندهای قوی اجتماعی اشاره دارد. به بیانی دیگر، تلاش زیمل برای پایه‌ریزی جامعه‌شناسی به مثابه علمی مستقل، متکی بر کشف موضوع (ابژه) جدیدی برای پژوهش جامعه‌شناختی نیست. بلکه، «جامعه‌شناسی» زیمل، نه مبتنی بر موضوع ماده جدید بلکه بر موضوع صوری، شیوه مشاهده جدید، یک چشم‌انداز و یک انتزاع است. عمیق‌ترین مسائل زندگی مدرن ناشی از دعوی فرد برای استقلال و فردیت هستی‌اش در برابر نیروهای مقاومت‌پذیر اجتماعی است و آن مسائل در کلان‌شهر متمرکز می‌شوند و هر پژوهشگر علوم شهری با رصد این موضوعات صوری با مشاهده‌ای فارغ از چشم تربیت‌یافته و از رهیافت «جامعه‌شناسی فضا»ی زیمل قادر به شناخت عمیق‌ترین پیوندهای اجتماعی خواهد بود. شناخت جامعه با عینک زیمل، به ترسیم چشم‌اندازی از حوزه‌های شهری یاری می‌رساند: شناخت سنخ‌های اجتماعی، افزودن وجهه‌های نو به نقشه‌های اجتماعی شهر، فراهم کردن امکان بروز هرچه بیشتر سوژگی شهروندان و متعاقباً ایجاد سرنخ‌های بیشتری که به تشخیص بهتر جامعه در نیازسنجی و در نهایت سازمان حوزه‌های شهر یاری می‌رساند.

#### فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۹). تحلیل نسبت کالبد و معنا در خیابان انقلاب. مجله منظر، ۲ (۱۱): ۴۳-۳۸.
- تانکیس، فرن. (۱۳۹۴). فضا، شهر و نظریه اجتماعی. ت: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ژلنیتس، آندری. (۱۳۹۶). فضا و نظریه اجتماعی. ت: آیدین ترکمه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فریزی، دیوید. (۱۳۸۶). گنورگ زیمل. ت: شهناز مسمی‌پرست. تهران: انتشارات ققنوس.
- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی شهر. ت: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر آگه.
- کاویانی‌راد، مراد و عزیزی کاوه، علی. (۱۳۹۰). نقش هویت مکانی در بروز کنش سیاسی مطالعه موردی: میدان و خیابان انقلاب شهر تهران. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی). ۱۷ (۲۰): ۱۶۷-۱۵۱.
- نجفی‌زاده، مونا. (۱۳۹۶). خیابان شاه‌رضا، روایتی از پوستر کوروش شیشه‌گران هنر+هنر. مجله آنگاه. ۴: ۶۷-۶۶.
- Frisby, D. (1985). Georg Simmel: First Sociology of Modernity. *Journal of Theory, Culture and Society*, 2(3): 68-80.



- Lechner, F. J. (1991). Simmel on Social Space. *Journal of Theory, Culture and Society*, 8(3): 195-201.
- Simmel, G. (1994). Bridges and Doors. *Journal of Theory, Culture and Society*, 11(1): 5-10.
- Simmel, G. (1997). *Simmel on culture*. London: SAGE Publications.
- Zieleniec, A. (2017). The Hermeneutics of the Urban Spatial Sociologies of Simmel, Benjamin and Lefebvre. In: Janz B. (Ed.). *Place, Space and Hermeneutics*. Vol. 5. Florida: Springer, Cham.

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



#### نحوه ارجاع به این مقاله

فروزنده، محمد رضا و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۸). تأملی بر مکان‌مندی صورت‌بندی اجتماعی در فضای شهری بر مبنای «جامعه‌شناسی فضا»ی گنورگ زیمل مطالعه موردی: خیابان انقلاب (حداصل میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر). باغ نظر، ۱۶ (۷۳): ۶۵-۷۶.

DOI: 10.22034/bagh.2019.182487.4080

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_88995.html](http://www.bagh-sj.com/article_88995.html)

